



بررسی مقایسه‌ای الگوی حکمرانی خوب بین کشورهای مصر و تونس از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹*



یلدا بهرامپور** - دکتر ابوالقاسم طاهری*** - دکتر مجتبی مقصودی****

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

چکیده

پایان دهه ۱۹۹۰، رویکرد حکمرانی خوب مورد توجه قرار گرفت و برنامه عمران سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول آن را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند. هرچه حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و میزان مشارکت بیشتر باشد، حکمرانی بهتر است. دهه گذشته در خاورمیانه شاهد انقلاب‌های عربی در اعتراض به حکومت‌های دیکتاتوری و سیاست‌های تبعیض‌آمیز بوده‌ایم که می‌توان گفت حکمرانی خوب یکی از مسیرهای پیش روی آنان برای جبران گذشته است. در این پژوهش به بررسی دو کشور مصر و تونس می‌پردازیم. جهت ارزیابی موقعیت این دو کشور، از شش شاخص حکمرانی خوب یعنی کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، کارایی و اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و حق اظهار نظر و پاسخگویی بهره می‌گیریم. پرسش پژوهش این است که به صورت تطبیقی، تونس و مصر پس از بهار عربی توانسته‌اند به چه جایگاهی از لحاظ حکمرانی خوب دست یابند؟ روش پژوهش مقاله توصیفی-تحلیلی و از نوع مطالعات تطبیقی است. هدف انجام پژوهش مقایسه وضعیت دو کشور مصر و تونس از نظر دستیابی به الگوی حکمرانی خوب پس از انقلاب می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تونس به علت برخوردار بودن از طبقه‌ی متوسط پویا، جامعه‌مدنی نسبتاً قوام‌یافته و متکثر، ارتش کوچک و حرفه‌ای، تجانس قومی-مذهبی و انسجام جناح‌های مختلف، تا حدودی به ثبات دست یافته و دارای امتیاز بهتری در زمینه‌ی حکمرانی خوب است، اما کشور مصر به دلیل تنش‌های سیاسی-مذهبی، دخالت

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری یلدا بهرامپور با راهنمایی دکتر ابوالقاسم طاهری است.

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** نویسنده مسئول، استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران. / ایمیل: a-taheri@srbiau.ac.ir

**** دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

گسترده‌ی ارتش در سیاست، کودتای ۲۰۱۳ پس از انقلاب در نوعی بی‌ثباتی سیاسی به سر می‌برد و این امر در کاهش امتیاز آن در زمینه‌ی حکمرانی خوب اثرگذار بوده‌است.

کلیدواژگان

حکمرانی، حکمرانی خوب، مصر، تونس، ثبات سیاسی.

مقدمه

در تحولات انقلابی ۲۰۱۱ در خاورمیانه، تونس و مصر از مهم‌ترین کشورها بودند. خیزش‌های مردمی در این دو کشور، اشتراکات بسیاری را در ریشه‌ها، اهداف، ماهیت و ویژگی‌ها به نمایش می‌گذارد. این دو کشور از نظر شرایط پیش از وقوع بهار عربی^۱ دارای مشابهت‌هایی هستند. هر دو این کشورها با مشکل حاکمان فاسد، تبعیض، بی‌عدالتی و ناکارآمدی دولت مواجه بودند.

پس از انقلاب جهت فائق آمدن بر مشکلات داخلی و رفع تبعیض، بسیاری از دولت‌ها به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که از طریق آنها بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه‌ی هرچه بیشتر برسانند. یکی از راهکارهای مناسب و جایگزین سیاست‌های تبعیض‌آمیز رژیم‌های اقتدارگرا، جهت گذار دموکراتیک و توسعه‌ی پایدار، فراهم کردن زمینه‌های تحقق «حکمرانی خوب»^۲ است. این الگو از دهه ۱۹۹۰ از سوی نهادهای بین‌المللی، خصوصاً بانک جهانی^۳، ترویج و تبلیغ می‌شود. بانک جهانی همه‌ساله با استناد به معیارهای عینی و موجود در کشورهای جهان و شاخص‌سازی آنها، اقدام به انتشار فهرستی می‌کند که به رده‌بندی حکمرانی خوب مشهور است. در این فهرست، کشورها بر اساس شش شاخص کلی، که خود آنها هم ترکیبی از ریزشاخص‌های متعددی هستند، رده‌بندی می‌شوند. این شاخص‌ها پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قانون‌گذاری، حاکمیت قانون و کنترل فساد را در برمی‌گیرند.

این پژوهش در پی پاسخ به این شکاف تحقیقاتی است که پس از بهار عربی و وقوع انقلاب، دو کشور مصر و تونس توانسته‌اند به چه جایگاهی از لحاظ حکمرانی خوب دست یابند؟ فرضیه مقاله این است که کشور تونس به علت برخورداری از طبقه متوسط پویا و بادوام، جامعه مدنی نسبتاً قوام‌یافته و متکثر، ارتش کوچک و حرفه‌ای، تجانس قومی و مذهبی، انسجام و همبستگی جناح‌های مختلف، تا حدودی به ثبات سیاسی در منطقه دست یافته‌است و دارای امتیاز نسبتاً بهتری در زمینه‌ی حکمرانی خوب است، اما یافته‌ها و مستندات به‌دست آمده از گزارش‌های کشورهای مصر نشان می‌دهد که این کشور به دلیل تنش‌های سیاسی-مذهبی، دخالت گسترده‌ی ارتش در سیاست و کودتای

^۱ Arab Spring

^۲ Good Governance

^۳ World Bank

۲۰۱۳ پس از انقلاب در نوعی بی‌ثباتی سیاسی به سر می‌برد که تنش‌های سیاسی و مذهبی را در این کشور تشدید کرده و موجب تنزل رتبه کشور مصر در زمینه دستیابی به حکمرانی خوب شده است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و از نوع مطالعات تطبیقی است. در اینجا به گونه‌ای مقایسه‌ای در پی بررسی تغییرات پیش آمده در دولت‌های پسانقلابی مصر و تونس هستیم. جهت ارزیابی میزان موفقیت این دو کشور در حل بحران‌های منجر به انقلاب، از شاخص‌های حکمرانی خوب استفاده می‌شود. بررسی و مقایسه‌ی راهبرد دو دولت تونس و مصر می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر دولت‌هایی باشد که از تنوعات و تنش‌های قومی و مذهبی برخوردارند. انقلاب‌های عربی فرصتی بی‌سابقه برای اصلاحات سیاسی به وجود آورد که در صورت بهره‌وری درست و به‌موقع نخبگان سیاسی، می‌توانست مسیر آینده را کاملاً تغییر دهد. مصر و تونس نیز ظرفیت‌های مناسبی برای مقابله با بحران‌های سیاسی و اجتماعی داشته و نخبگان سیاسی این کشورها می‌توانند با محور قراردادن سیاست‌های حکمرانی خوب، باعث موفقیت و کارایی این دولت‌ها گردند. این پژوهش بر آن است تا با شناخت ابعاد الگوی حکمرانی خوب در دو کشور مصر و تونس، در سال‌های بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، شش شاخص برگرفته از بانک جهانی را در ارتباط با ابعاد حکمرانی خوب بررسی نموده و به مقایسه‌ی تطبیقی بین آنها پردازد.

۱- پیشینه پژوهش

تاکنون در خصوص این موضوع، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، اما پژوهش‌های زیر به موضوع تحقیق نزدیک است.

کامران ربیعی در مقاله‌ای با عنوان «تبیین شرایط تکوین بهار عربی و زمینه‌های فروپاشی رژیم‌های سیاسی در تونس و مصر» (ربیعی، ۱۳۹۷: ۱-۳۶)؛ (Kamran Rabiei, 2018: 1-36)، به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه عواملی موجب شد تا بهار عربی از تونس و مصر آغاز شود؟ فرضیه پژوهش آن است که شباهت‌هایی میان تونس و مصر وجود داشته که موجب شده تا بهار عربی از این دو کشور آغاز شود. این مقاله در سه مرحله و در چارچوب مطالعه‌ی تاریخی-تطبیقی به ریشه‌های شکل‌گیری ناآرامی‌های عربی پرداخته است. وی در مرحله‌ی اول، شباهت‌های موجود میان دو کشور تونس و مصر را استخراج می‌نماید و در ادامه ۹ عامل اصلی در وقوع بهار عربی را در قالب چهار دسته ساختاری، کاتالیزورها، پیش‌برنده‌ها و تعیین‌کننده‌ها، تجزیه و تحلیل می‌کند. در مرحله‌ی دوم، ارتباط علی بین شباهت‌های استخراج شده میان تونس و مصر در قالب متغیرهای سه گانه، با شرایط تکوین و وقوع بهار عربی تبیین می‌شود و در نهایت در مرحله‌ی سوم نیز، تبیینی عام از شرایط تکوین و وقوع بهار عربی صورت می‌گیرد. این مقاله به درستی نشان می‌دهد که مسائلی چون فشار اقتصادی و نابرابری‌های عمیق اجتماعی، بیکاری فزاینده جوانان و نارضایتی آنان،

سرکوب سیاسی و احتکار قدرت توسط یک خانواده و حزب و ... در دو کشور به انقلاب انجامیده اما به مرحله‌ی پس از انقلاب و اصلاحات صورت گرفته جهت رفع این مشکلات نمی‌پردازد؛ مسئله‌ای که ما در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

علیرضا سمیعی اصفهانی و ایمان شریف یلمه در مقاله‌ای با عنوان «گذار سیاسی و امکان‌سنجی حکمرانی خوب در تونس پس‌انقلابی» (اصفهانی و شریف یلمه، ۱۳۹۶: ۱۴۷-۱۸۴)؛ (Alireza Samii, Esfahani and Iman Sharif Yalme, 2018: 147-184) این پرسش را مطرح می‌کند که نوع و شیوه‌ی گذار سیاسی کشور تونس تا چه حد امکان شکل‌گیری الگوی حکمرانی خوب را در این کشور فراهم آورده و چه تأثیری بر پایداری این الگو در این کشور خواهد داشت؟ وی با تلفیق مبانی نظری گذارهای دموکراتیک با حکمرانی خوب، مدلی تحلیلی ارائه می‌دهد که به تبیین ریشه‌ها، روندها و پیامدهای سیاسی این موضوع می‌پردازد. به باور او، انقلاب تونس توانسته‌است گذار موفق‌تری را به سوی دموکراسی تجربه کند و راه همواری در زمینه‌ی شکل‌گیری و پایداری حکمرانی خوب پیش رو دارد. اما گذر زمان و وقوع کودتای ۲۰۲۱ در این کشور نشان می‌دهد که تونس راه هموار و ساده‌ای پیش رو نداشته‌است و همچنان درگیر کشمکش‌های سیاسی است.

کمال‌الدین عثمان صالح (۲۰۱۱)؛ (Kamal Eldin Osman Saleh, 2011) در مقاله «ریشه‌ها و علل شورش‌های عربی ۲۰۱۱» ضمن بررسی خاستگاه‌ها و زمینه‌های حوادث مربوطه یادآور می‌شود که بهار عربی نشان‌دهنده‌ی ادعای بسیاری از صاحب‌نظران در مورد دولت‌های اقتدارگرای عربی، که مردم در آن به علت قدرت بیش از حد دولت‌ها هیچ نقشی ندارند، نادرست بوده‌است. چرا که به اتفاق مردم در این جوامع توانستند نقش مهم خود را ایفا کنند. از نظر صالح، توزیع نامتوازن منابع اقتصادی، فقر و بیکاری، ماهیت خشن رژیم‌های عربی و البته فساد، دلایل شکل‌گیری اعتراضات مزبور قلمداد می‌شوند. البته رویکرد نویسنده مذکور بیشتر رویکردی اقتصادی بوده و ریشه‌های بحران در تمامی کشورهایی که دستخوش انقلابات مردمی شدند از این منظر واکاوی شده‌است. این مقاله نیز تنها به مشکلات منجر به انقلاب در کشورهای عربی پرداخته و مسیر آنها در تحقق اهداف انقلابی و دستیابی به دولت کارآمد را بررسی نمی‌کند.

همانگونه که مشخص است هریک از آثار مورد بررسی، وجه اشتراکاتی با مقاله‌ی پیش رو دارند اما هیچکدام به طور مشخص به بررسی مقایسه‌ای روند الگوی حکمرانی خوب در این دو کشور که از نظر شرایط پیش از انقلاب تقریباً مشابه بودند نپرداخته‌اند. نوآوری این پژوهش در این است که می‌کوشد مسیر پس‌انقلابی این دو کشور تأثیرگذار و مهم در تحولات عربی را بررسی کرده و نشان دهد که صرف انقلاب و براندازی حکومت‌های فاسد نمی‌تواند تضمینی بر راه هموار پیاده‌سازی الگوی حکمرانی خوب باشد.

۲- مبانی نظری: نظریه حکمرانی خوب

منظور از واژه‌ی حکمرانی، تأکید بر تدبیر خردمندانه‌ی امور است، به گونه‌ای که منجر به نتایج مطلوب گردد (معمارزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۲)؛ (Memarzadeh et.al., 2010: 22-23). در اواخر دهه ۱۹۸۰ بانک جهانی موضوع شیوه مدیریت و اداره کشور با شهروندان را به عنوان موضوع کلیدی توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی دولت‌ها مورد مطالعه قرار داد و طی گزارشی اعلام کرد که «چون دولت وظایف متعددی دارد اما توانمندی‌هایش محدود است باید اول ظرفیت‌های خود را به تکالیفی اختصاص دهد که اولویت بیشتری دارند» (شیرژیان و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۱)؛ (Shirzhian et.al., 2021: 21) تکالیفی چون بوروکراسی شفاف، مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و پاسخگویی دولت (صباغ کرمانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۴)؛ (Sabaghi et.al., 2009: 114). مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب در جدول زیر شرح داده شده‌است:

شاخص‌ها	متغیرها	ردیف
۱-۱: حق اظهارنظر و پاسخگویی	فرآیند انتخاب، عزل و نظارت بر حکومت	۱
۲-۱: ثبات سیاسی و عدم خشونت		
۱-۲: اثر بخشی دولت	ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای سیاست‌ها	۲
۲-۲: کیفیت مقررات		
۳-۱: حاکمیت قانون	اقدام مردم و حکومت بر نهادهای حاکم بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی	۳
۲-۳: مبارزه با فساد		

جدول ۱- شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر بانک جهانی (ترسیم توسط نگارندگان)

Table 1- Good Governance Indicators from the Perspective of the World Bank

Drawing by the authors (Kaufman and Kaary, 2005:70)

دپارتمان توسعه بین‌الملل بانک جهانی، با بازنگری شاخص‌های حکمرانی خوب، در پی این بوده‌است که سطح پذیرش دولت‌ها، کیفیت و نوع پوشش داده و ارتباط بین این شاخص‌ها را به عنوان معیارهای جدیدی از حکمرانی خوب در نظر بگیرد تا کمی‌سازی و قابلیت پذیرش سیاسی این شاخص‌ها در ارزیابی هرچه بهتر حکمرانی خوب را ارتقا دهد. در ادامه تعاریف هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب ارائه گردیده‌است:

۲-۱- حق اظهار نظر و پاسخگویی^۱

از دیدگاه بانک جهانی، شهروندان باید بتوانند در امورات مربوط به خود، دولت را بازخواست کرده و مورد سوال قرار دهند. «مفهومی که از این مؤلفه مستفاد می‌گردد مواردی از قبیل آزادی بیان، آزادی حضور در تجمعات سیاسی و آزادی مطبوعات و ... می‌باشد» (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱:

¹ The right to comment and respond

۷۳؛(Razmi & Sedighi, 2012: 73). وازن بیان داشته که «حقیقت مستتر در پاسخگویی بدین شکل است که مسئولین در برابر اعمالشان مسئولیت‌پذیر بوده و پاسخگویی کارهای انجام شده‌شان باشند» (وارن، ۲۰۰۵)؛(Warren, 2005).

۲-۲- ثبات سیاسی^۱ و عدم خشونت

بانک جهانی ثبات سیاسی را در تداوم حیات دولت‌ها مؤثر می‌داند به طوری که حتی در صورت هرگونه تغییر رهبری یا تحول دولت‌مردان، نظام حاکمیتی بتواند به کار خود به درستی ادامه دهد. این شاخص بیانگر آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد و مفاهیمی مانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا را دربرمی‌گیرد.

۲-۳- اثربخشی و کارایی دولت^۲

بانک جهانی کارآمدی دولت را با مقولاتی از قبیل کیفیت، صلاحیت و شایستگی بیان می‌کند. در پژوهش‌های انجام شده مانند پژوهش سامتی و همکاران کارایی دولتی با شاخص‌هایی مانند عدم وابستگی دولت، تحت فشار قرار نداشتن دولت و فقدان بوروکراسی و ... تعریف شده‌است (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰)؛(Sameti et al., 2011).

۲-۴- کیفیت بوروکراسی^۳

هرچه قوانین و مقررات به کار گرفته شده در خدمات دولتی متناسب و تسهیلاتی در جهت انجام آن از سوی دولت فراهم شده باشد، می‌توان اذعان داشت که بوروکراسی به کار رفته توسط دولت از کیفیت مطلوبی برخوردار است. «این شاخص، توانایی حکومت را در تدوین و اجرای سیاست‌های بی‌عیب و نقص و قوانینی می‌سنجد که اجازه توسعه به بخش خصوصی می‌دهند و آن را ترویج می‌کنند» (کافمن، ۱۳۸۶: ۱۸۴)؛ (Kaufman, 2007: 184) و همچنین مفاهیمی از قبیل مقررات مربوط به صادرات و واردات، کنترل‌های قیمت، سیستم مالیات‌گیری، مداخله حکومت در بازار، دستمزدها، سرمایه‌گذاری خارجی، سیستم بانکداری، رقابت تجاری و تجارت غیرعادلانه را مورد سنجش قرار می‌دهد.

۲-۵- حاکمیت قانون^۴

هرچه شهروندان و دولتمردان به قوانین و مجریان آن پایبند و متعهد بوده و بتوانند به عنوان

¹. Political Stability

². Effectiveness and Efficiency of the Government

³. The Quality of Bureaucracy

⁴. Kaufman

⁵. Rule of Law

مرجعی در جهت حل اختلافات به آن رجوع کنند، نشان‌دهنده وجود حاکمیت قانون در دولت خواهد بود. این شاخص، حوزه‌ای را می‌سنجد که در آن، عواملان به قوانین جامعه اعتماد دارند و از آن اطاعت می‌کنند. «همچنین این شاخص بیانگر کیفیت قراردادهای، کار پلیس، دادگاه‌ها و نیز احتمال خشونت و جنایت است.» (کافمن، ۱۳۸۶: ۱۸۴)؛ (Kaufmann, 2007: 184).

۲-۶- کنترل فساد^۱

بانک جهانی کنترل فساد را در تدوین راهبردهایی برای ممانعت از هرگونه سوء استفاده از قدرت و امکانات دولتی برای مقاصد و منافع شخصی تعریف کرده‌است. «این شاخص با استفاده از تدابیر کنترلی در پی تعیین معیارهایی برای اندازه‌گیری فساد مسئولین دولتی، میزان رشوه دریافتی و ... است» (لاک‌وود، ۱۳۸۹: ۸۹)؛ (Lockwood, 2010: 89).

این شش شاخص بر اساس گزارشی است که سه اقتصاددان برجسته بانک جهانی، یعنی کافمن، کری^۲ و ماستروزی^۳ در سال ۲۰۰۶ ارائه داده‌اند. بانک جهانی همواره در گزارش‌های خود درباره حکمرانی خوب و مقایسه وضعیت آن در کشورهای مختلف این شش شاخص را مد نظر داشته‌است. لازم به ذکر است که اگرچه از دیدگاه کارشناسان و صاحب نظران بین‌المللی ویژگی‌های اساسی برای استقرار حکمرانی خوب مطرح می‌شود، اما اجرایی شدن و پیاده‌سازی مطلوب آن در گرو مطالعات تخصصی‌تر و دقیق‌تر، با توجه به ویژگی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور خواهد بود تا با شناسایی گونه‌های ملی و بومی مرتبط با شاخص‌های حکمرانی خوب بتوان در جهت نهادینه‌سازی این فرهنگ تلاش نمود.

۳- بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب در مصر و تونس پس از انقلاب ۲۰۱۱

مصر و تونس پیش از انقلاب با مشکلاتی از جمله حاکمان فاسد، تبعیض، بی‌عدالتی و ناکارآمدی دولت مواجه بودند که موجب سهم‌خواهی هویت‌های مختلف از قدرت سیاسی شده بود. «گسترش اندیشه دینی، فقر، ضعف نظام آموزش و پرورش، پشتیبانی دولت‌ها و ناکارآمدی حقوق بین‌الملل هر کدام موجب گسترش افراط‌گرایی شده‌بودند» (لسانی سنگاچین و دیگران، ۱۴۰۰: ۳)؛ (Lesani sangachin et.al., 2021: 3). بهار عربی امید بهبود اوضاع حکمرانی را بالا برد، اما گذار به دموکراسی، یک شبه رخ نمی‌دهد. مصر و تونس پس از انقلاب، تغییرات قابل توجهی را در این زمینه تجربه کردند اما این تغییرات در تمامی شاخص‌ها، مثبت و روبه‌رشد نبوده‌است. در ادامه به تفکیک، شش شاخص الگوی حکمرانی خوب در دو کشور پس از انقلاب را بررسی می‌نماییم.

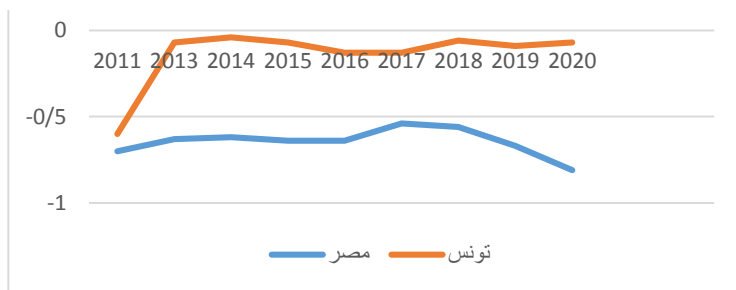
¹. Corruption Control

². Kraay

³. Mastruzzi

۳-۱- کنترل فساد

امیدهای بهبود وضعیت سیاسی در تونس و مصر زمانی شکل گرفت که بن‌علی و مبارک سقوط کردند. با این وجود گزارش‌های به‌دست آمده از شاخص فساد مؤید این نکته هستند که وضعیت در کشور مصر، نه تنها بهتر نشده بلکه چند پله سقوط داشته‌است. در یک ارزیابی کلی و مقایسه‌ای، کنترل فساد در تونس به نسبت بهتر از مصر بوده و کشور مصر در کنترل فساد ضعیف عمل کرده‌است. به‌عنوان روش‌های موثر برای کاهش فساد می‌توان از آزادی مطبوعات و استقلال رسانه‌ها نام برد. تقویت اعتبار و استقلال قوه قضاییه و حاکمیت قانون به جای انجام صلاح‌دیدی امور و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی نیز از جمله عواملی هستند که فساد را کاهش می‌دهند. این موارد در مصر تحت ریاست جمهوری السیسی تقریباً به یک شوخی تبدیل شده و عملاً هیچگونه آزادی مطبوعات و استقلال رسانه و قوه قضاییه وجود نداشته و شواهد حاکی از وجود ۶۰ هزار زندانی سیاسی در این کشور در سال ۲۰۱۹ بوده‌است. در مقابل، انقلاب تونس به یک دستاورد واحد یعنی آزادی بیان و مطبوعات دست یافت به طوری که صحنه رسانه‌ای کشور با کثرت و تعدد آرا شکل گرفت و همه طیف‌های سیاسی، ایدئولوژیک و فکری این حق را پیدا کردند که در رسانه‌ها بدون ترس عقاید خود را بیان کنند. اما این همه‌ی ماجرا نبوده و فساد همچنان در این کشور حاکم است. منابع مالی داخلی و کمک‌های خارجی هرگز به نفع منافع عمومی استفاده نشده‌است. در نمودار زیر سعی شده‌است به صورت مقایسه‌ای اختلاف سطح شاخص کنترل فساد در کشور مصر و تونس پس از انقلاب تا سال ۲۰۲۰ ترسیم شود.



نمودار ۱- کنترل فساد

Chart 1- Control of Corruption

Source: www.theglobaleconomy.com, (2020)

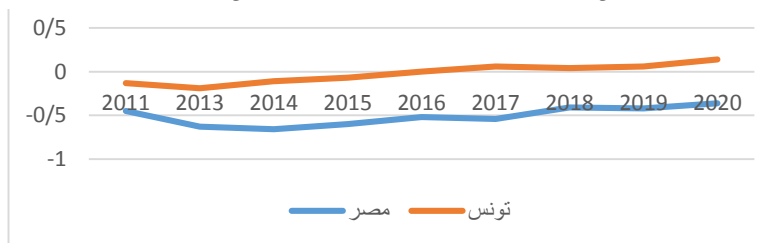
این نمودار به وضوح نشان می‌دهد که شاخص کنترل فساد مسئله‌ای نیست که به سادگی با تغییر رژیم حل شود. راهبرد دولت‌های جدید مصر و تونس در زمینه‌ی کنترل فساد چندان تفاوتی با رژیم‌های پیشین نداشته‌است.

۳-۲- حاکمیت قانون

بهار عربی فرصتی برای ارتقای حقوق بشر و گذارهای دموکراتیک در کشورهای منطقه به وجود آورد. نگاهی به وضعیت حقوق بشر و حاکمیت قانون در مصر با استناد به شاخص‌های جهانی، حاکی از تصویر تیره‌ی این کشور از نظر برخورداری از عدالت و صلح و آزادی‌های اجتماعی است. در این چارچوب مصر از نظر رعایت عدالت و قانون در سطح جهانی در جایگاه پایین‌تری از تونس قرار گرفته‌است. «اگرچه در روزهای اولیه انقلاب و حتی در زمان حکومت مرسى سعی شد به عدالت قضایی به عنوان یکی از مهمترین خواسته‌های مردم رسیدگی شود اما کودتای نظامیان سبب شد عدالت در قبال متهمان اجرا نشود. دادگاه‌های متهمانی چون حسنی مبارک، جمال مبارک و حبيب العادلی، به اتهام کشتار و ضرب و جرح تظاهرکنندگان، رشوه‌خواری و فساد مالی آغاز شد. اما در جریان این دادگاه‌ها آنچه که فراموش شد عدالت بود، زیرا نظام قضایی مصر در قبال این دادگاه‌ها راهبرد اتلاف وقت را در پیش گرفت و در نهایت نیز پس از کودتا محاکمه‌ها به نمایشی صرف تبدیل شده و متهمان تبرئه شدند» (ذاکریان و عمادی، ۱۳۹۸: ۷)؛ (Zakerian & Emadi, 2018: 7).

تصویب قانون اساسی مصر و تونس نیز هرچند هم‌زمان و در نتیجه‌ی پیروزی انقلاب بوده‌است ولی در سبک و محتوا متفاوت می‌باشد. «در مصر نیروهای مسلح نقش پررنگی در زندگی سیاسی و قانون اساسی این کشور بازی می‌کنند که به نوعی برگشت به ساختار قانون اساسی ۱۹۷۱، یعنی بازسازی رژیم اقتدارگرا و استبدادی است، اما در تونس به نظر می‌رسد الگوی قانون اساسی جدید یک رویکرد مدرن به حمایت از حقوق بشر و چارچوب نهادی و متعادل بین سه قوه را فراهم می‌کند. ترویج و گسترش پلورالیسم سیاسی و چرخش مسالمت‌آمیز قدرت، در هر دو کشور از اهداف قانون اساسی بوده که در تونس امکان واقعی یافته‌است اما در مصر به هدفی دور تبدیل شده و همچنان به سمت تغییر تدریجی رژیم می‌رود» (فدتکه، ۱۳۹۳: ۵۸)؛ (Fedtke, 2014: 58).

در نمودار زیر، شاخص حاکمیت قانون در کشور مصر و تونس به تصویر کشیده شده‌است.



نمودار ۲- حاکمیت قانون

Chart 2- Rule of Law

Source: www.theglobaleconomy.com, (2020)

این نمودار نشان می‌دهد که کشور مصر تا سال ۲۰۱۵ در زمینه‌ی حاکمیت قانون افت داشته زیرا کودتایی که در سال ۲۰۱۳ به وقوع پیوست، آزادی‌های مدنی مانند آزادی تشکل‌ها، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها را محدود ساخته و حکومت پلیسی و امنیتی را به اجرا درآورد. همچنین نمودار نشان می‌دهد که پس از سال ۲۰۱۵ وضعیت حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر در مصر بهبود داشته اما در کل همچنان کشور مصر از نظر رعایت عدالت و حاکمیت قانون در سطح جهان در جایگاه پایین‌تری نسبت به تونس قرار دارد.

اصلاحات و تشکیل انجمن‌های نظارتی حقوق بشری در کشور تونس انجام شده هرچند که گزارش‌هایی نیز مبنی بر شکنجه زندانیان و نقض حقوق بشر از این کشور به گوش می‌رسد اما در کل نسبت به سال ۲۰۱۱ وضعیت بهبود یافته‌ی حقوق بشر در نمودار فوق به تصویر کشیده شده است. همچنین روند رو به رشد حقوق زنان در تونس طی ده سال گذشته وارد مرحله‌ی جدید شده به طوری که وضعیت این طبقه را در جهان عرب و منطقه‌ی شمال آفریقا منحصر به فرد کرده است.

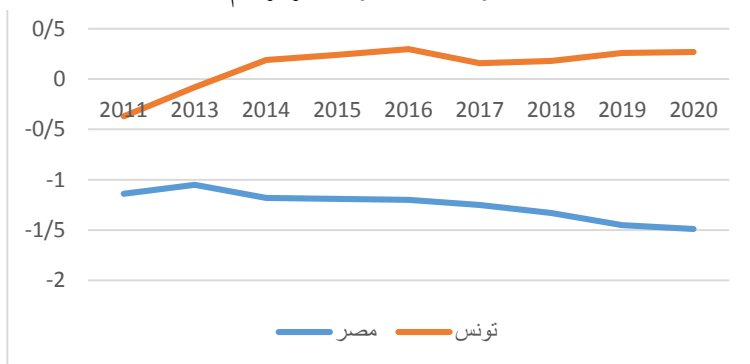
۳-۳- حق اظهار نظر و پاسخگویی

یکی از تقاضاهای روشن بهار عربی مشارکت بیشتر مردم و پایان دادن به اعمال تبعیض آمیز و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون بود. انتخابات تونس نشان از وجود تعهد در این زمینه دارد. اما بازسازی نهادهای اساسی مانند نظام عدالت، سازمان‌های اجرای قانون، نهادهای نظارتی و ایجاد چارچوبی برای رسانه‌ها و جامعه‌ی مدنی که تمامی آنها در دهه‌های گذشته توسط حکومت استبدادی خراب شده بود، به سال‌ها تلاش نیاز دارد. «در کشور تونس، در زمینه‌ی آزادی تشکل‌ها، بیان و رسانه‌ها چشم‌انداز روشنی وجود دارد و یک میدان نسبتاً بابر برای اعمال حقوق رسانه‌های خبری و جامعه مدنی پدید آمده است که در تضاد کامل با رژیم تحت حکومت بن علی می‌باشد. جامعه‌ی مدنی و اتحادیه‌های کارگری در تونس از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ با استقلالی کامل که قبل از آن تاریخ غیرقابل تصور بود، اداره می‌شود» (سمیعی و شریف یلمه، ۱۳۹۶: ۱۷۳)؛ Samiei & Sharif (Yalmeh, 2017: 173).

اما در مقابل، در کشور مصر چنان چشم‌اندازی وجود ندارد. چه در دوران مرسی و چه در دوران السیسی اراده‌ی روشنی برای بهبود وضع آزادی به چشم نمی‌خورد. «بازداشت‌های خودسرانه، نبود آزادی تجمعات و آزادی بیان، وجود شکنجه در زندان‌ها و نقض نظام‌مند حقوق بشر، مواردی هستند که عدم رعایت حقوق شهروندان مصری را نشان می‌دهند. وضعیت حقوق بشر در مصر از زمان روی کار آمدن السیسی تغییر فاحشی نداشته است، به طوری که احزاب مخالف دولت و شماری از گروه‌ها و تشکل‌های مذهبی که مورد حمله دولت بوده‌اند، در حال حاضر امکان فعالیت ندارند؛ چرا که پس از اتفاق ژوئیه ۲۰۱۳ در مصر، وضعیت حقوق بشر تضعیف شده و بسیاری از اعضای جریانات مخالف دولت مورد شکنجه قرار گرفته‌اند» (ذاکریان و باقری، ۱۳۹۴:

(۲۲)؛(Zakerian & Bagheri, 2015: 22).

بانک جهانی اقدام به بررسی پارامترهای شاخص اظهارنظر و پاسخگویی مصر و تونس در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۱ لغایت ۲۰۲۰ نموده که در نمودار زیر ترسیم شده‌است.



نمودار ۳- حق اظهارنظر و پاسخگویی

Chart 3- Voice and Accountability

Source: www.theglobaleconomy.com, (2020)

این نمودار نشان می‌دهد که کشور تونس توانسته پیشرفت خوبی در زمینه‌ی مشارکت مردمی و حق اظهار نظر و پاسخگویی هرچند با افت و خیز پس از انقلاب به دست آورد. اما کشور مصر همانگونه که از نمودار می‌توان استنباط کرد نتوانسته‌است اهداف انقلاب را در زمینه‌ی مشارکت مردمی محقق کند و به دلیل دخالت بالای نظامیان و تجربه‌ی کودتای سال ۲۰۱۳ که «طبق گزارش عفو بین‌الملل^۱ ۱۴۰۱ مصری غالباً از طرفداران مرسى در جریان آن کشته شده‌اند» (ذاکریان و باقری، ۱۳۹۴: ۲۲)؛(Zakerian & Bagheri, 2015: 22)، همچنان در شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی رو به پس‌رفت است. در واقع راهبرد دولت جدید مصر نسبت به دولت پیش از انقلاب پیشرفتی نداشته بلکه بدتر نیز شده‌است.

۳-۴- ثبات سیاسی و عدم خشونت

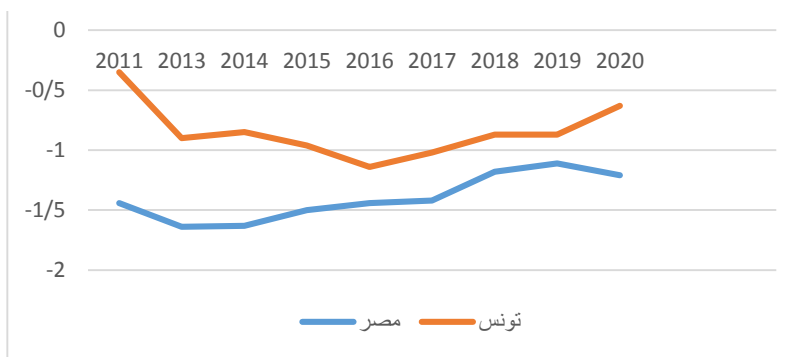
خانه‌ی آزادی^۲ (Freedom House, 2015) در گزارش سال ۲۰۱۵ خود نکات برجسته‌ای را در مورد حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی و خشونت سیاسی در جهان آورده‌است که موبد این موضوع است که خشونت سیاسی در کشور مصر یک روند رو به افزایش پیدا کرده‌است. «در این خصوص می‌توان به اقدامات دولت شامل به‌حاشیه‌راندن کامل مخالفان، نظارت گسترده بر ارتباطات الکترونیکی، برگزاری دادگاه‌های دسته جمعی غیرقابل توجیه و زندان نمودن اعضای اخوان

^۱ Amnesty International

^۲ Freedom House

المسلمین اشاره نمود. عبدالفتاح السیسی با زیرپا گذاشتن حاکمیت قانون، خشونت سیاسی بی‌سابقه‌ای را در کشور مصر حاکم کرده و یک عقب‌گرد در دستاوردهای بهار عربی داشت. محققان خارجی منع و منتقدان داخلی (سکولار و اسلامی) هردو بازداشت و یا تبعید گردیدند. دادگاه‌های مصر تحت نظارت السیسی بیش از ۱۳۰۰ زندانی سیاسی را بدون آیین رسمی محکوم به مرگ نمود. اما تونس در خصوص حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی و عدم خشونت سیاسی موفقیت استثنایی در جهان عرب به دست آورد. این کشور با تصویب قانون اساسی مترقی و پیشرفته و برگزاری انتخابات عادلانه و آزاد مجلس و ریاست جمهوری با درجه‌ای بالا از شفافیت جزو کشورهای آزاد جهان قرار گرفت.

معیارهایی که بانک جهانی طبق آن‌ها عدم خشونت سیاسی و ثبات سیاسی را اندازه‌گیری می‌کند شامل ترورها، کودتا، آشوب‌ها و تنش‌های قومی و ... است که هرچه وجود متغیرهایی از این دست در کشوری کمتر باشد، نشان‌دهنده‌ی ثبات سیاسی آن کشور است. وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در بررسی‌های بانک جهانی از کشورهای مصر و تونس در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۴- ثبات سیاسی

Chart 4- Political Stability

Source: www.theglobaleconomy.com, (2020)

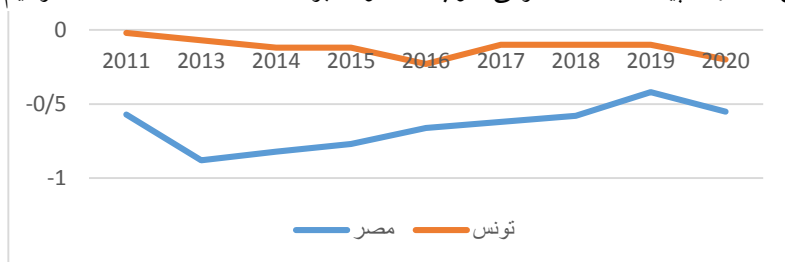
پیشتر ذکر شد که کشور تونس به وضعیت مناسبی در زمینه‌ی ثبات سیاسی و عدم خشونت دست یافته‌است اما از این نمودار می‌توان نتیجه گرفت که این پیشرفت یک شبه و به صرف وقوع انقلاب حاصل نشده‌است بلکه ابتدا با تجربه‌ی یک شیب نزولی پس از انقلاب آغاز شده و سپس از ۲۰۱۵ رفته‌رفته پیشرفت را تجربه کرده‌است. در کشور مصر نیز همانگونه که توضیح داده شد پس از انقلاب و در جریان حکومت السیسی شاخص ثبات سیاسی اوضاع رو به پس‌رفتی داشته‌است. برای نمونه «تعطل دولت مصر در محاکمه سران رژیم نشان از عدم وجود اصلاحات دارد که ایجاد

ثبات در آن را به یک آرزو تبدیل کرده است» (دلآوری، ۱۳۸۸: ۳۰)؛ (Delavari, 2011: 30)، اما مشابه کشور تونس پس از ۲۰۱۵ اوضاع روبه بهبود رفته که این نشان از تغییر راهبرد دولت‌ها به سمت دوری از خشونت و رسیدن به ثبات و فاصله گرفتن از انقلاب و کودتا دارد.

۳-۵- کارایی و اثربخشی دولت

در دوران پسانقلاب در کشور مصر، بخش خصوصی برای فعالیتهای اقتصادی با موانع ساختاری زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. کسب و کار ضعیف، دسترسی محدود به اعتبارات بانکی، قیمت بالای انرژی برای صنایع، مانع رشد بخش خصوصی می‌شود. اصلاحات ساختاری، شامل پرداختن به این موانع، می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، صادرات و رقابت پذیری گردد. مهم‌تر از همه، این اصلاحات می‌تواند شغل ایجاد کند. بسیاری از اصلاحات لازم در طول انتقال سیاسی، به سختی پیاده‌سازی می‌شود؛ در عین حال می‌توان برخی از اصلاحات را بلافاصله تعقیب نمود مانند بهبود اعتماد به نفس، ساده‌سازی مقررات کسب و کار، آموزش بیکاران و غیرماهران، بهبود روش آداب و رسوم که برای بازیابی توسعه و به دست آوردن شتاب و رشد پایدارتر لازم می‌باشد.

در تونس پتانسیل بسیاری وجود دارد. از جمله «نیروی کار ماهر، تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان آموزش دیده، مدیریت عمومی خوب، داشتن زیرساخت‌های خوب مانند برق، آب آشامیدنی سالم، ارتباط از راه دور و جاده‌ای مناسب و تعداد زیادی از بنادر و فرودگاه‌ها که با توجه به موقعیت جغرافیایی و استراتژیک دسترسی خوبی به بازار بزرگ اروپا دارند. علاوه بر این موارد کشور تونس دارای یک فرآیند قانونی سه‌جانبه در سیاست‌های اقتصادی بین دولت، اتحادیه‌های کارگری و فدراسیون کارفرمایان است. وجود این موارد در کشور تونس باعث گردیده کارایی دولت افزایش پیدا نموده و اثربخشی آن بیشتر گردد» (گزارش بانک جهانی، ۱۳۹۳)؛ (World Bank, 2014). بررسی‌های بانک جهانی از مؤلفه‌های مرتبط با متغیر کارایی و اثربخشی دولت در کشورهای مصر و تونس در جهت پیاده‌سازی حکمرانی خوب در نمودار برای سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ ترسیم شده:



نمودار ۵- کارایی و اثربخشی دولت

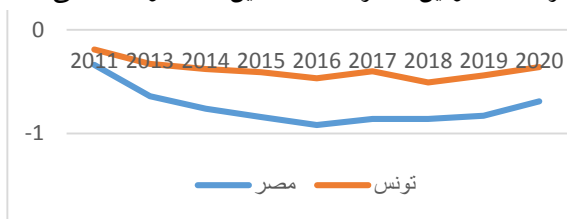
Chart 5- Government effectiveness

Source: www.theglobaleconomy.com, (2020)

علی‌رغم توضیحاتی که از پتانسیل بالای کشور تونس در بالا آورده شد، این نمودار حاکی از آن است که راهبرد دولت پساانقلابی در تونس به گونه‌ای بوده‌است که نتوانسته از این پتانسیل استفاده‌ی مطلوب را برده و فساد را کنترل کند بلکه حتی یک شیب نزولی را تجربه کرده‌است. در مقابل، کشور مصر با آن حجم بالای فساد اداری و ناکارآمدی ذکر شده، پس از ۲۰۱۵، طبق نمودار توانسته راهبردی اتخاذ کند که اثربخشی دولت را تا حدی بهبود بخشد. هرچند که همچنان جایگاه پایین‌تری نسبت به تونس دارد اما این شیب متفاوت نشان از راهبردی متفاوت دارد.

۳-۶- کیفیت قوانین و مقررات

علی‌رغم اینکه ارتش مصر در انقلاب ۲۰۱۱ موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد، اما «این بی‌طرفی تا اندازه زیادی متأثر از حفظ جایگاه خود در تحولات آتی و استمرار منافع اقتصادی بود» (زیبایی، ۱۴۰۰: ۱۱)؛ (Zibaie, 2021: 11). پس از انقلاب و بعد از کودتای ۲۰۱۳ و به قدرت رسیدن عبدالفتاح السیسی از فرماندهان ارتش به ریاست جمهوری، دخالت ارتش در امور سیاسی بیشتر شده و فعالیت بخش خصوصی و جامعه‌ی مدنی مصر محدودتر گردید. از سال ۲۰۱۱ تاکنون ۲ بار قانون اساسی مصر تغییر یافته و به جای این که ارتش تابع قوانین باشد، به نوعی قوانین مصر تابع ارتش هستند. ارتش هر زمانی قانونی را مفید برای بقای خود نداند آن قانون را تغییر خواهد داد. نمونه‌ی آن قانون اساسی بود که بعد از به قدرت رسیدن ارتش در سال ۲۰۱۳ مجدداً تغییر کرد. در سوی مقابل، هنگامی که به وضعیت تونس می‌پردازیم، می‌بینیم که این کشور از شرایط کاملاً متضادی برخوردار است. چه قبل از انقلاب و چه پس از انقلاب، ارتش در این کشور صرفاً به عنوان یک نهاد نظامی حرفه‌ای آن هم در محدوده‌ای کاملاً کوچک نقش‌آفرینی کرده‌است. «تونس پس از انقلاب با تصویب قانون اساسی و برگزاری انتخابات دموکراتیک توانست انحصارات، امتیازات و رانت‌های قبلی را از بین ببرد و در مسیر توسعه و حکمرانی خوب قرار گیرد» (روزنامه الحیات، ۲۰۱۴). خصوصی‌سازی در تونس تا حدی انجام گرفته و بخش خصوصی در این کشور تعاملات خوبی با سایر کشورها پس از انقلاب داشته‌است. بانک جهانی با بررسی شاخص کیفیت قوانین و مقررات در مصر و تونس میزان حکمرانی خوب را در این کشورها مورد سنجش قرار داده است که نمودار زیر کیفیت و میزان اثرگذاری قوانین و مقررات را در این دو کشور نشان می‌دهد:



نمودار ۶- کیفیت قوانین و مقررات Regulatory Quality

Source: www.theglobaleconomy.com, (2020)

این نمودار بیانگر راهبرد مثبت هر دو کشور در شاخص کیفیت قوانین و مقررات در راستای الگوی حکمرانی خوب است. اما شیب نزولی نمودار تا سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که این تغییر راهبرد به سمت افزایش دخالت بخش خصوصی نمی‌تواند یک شبه باشد و شیب نزولی پس از انقلاب جهت تثبیت حکومت‌های جدید یک امر طبیعی است. هر دو دولت مصر و تونس پس از ۲۰۱۵ به سمت کاهش رانت و انحصارات قدم برداشته‌اند.

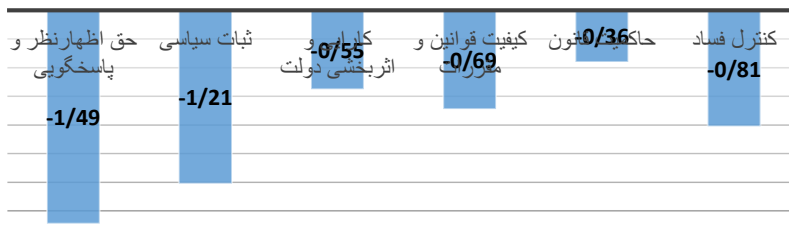
۴- مقایسه وضعیت کلی حال حاضر حکمرانی خوب در دو کشور

با بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب در کشور مصر در بعد سیاسی در سال ۲۰۲۰، این شاخص‌ها بعد از انقلاب به صورت متناوب در تغییر بوده‌اند که نشان از عدم ثبات سیاسی، وجود خشونت سیاسی و پایین بودن حق اظهار نظر و آزادی‌های مدنی دارد. در بعد نهادی، شاخص‌های حاکمیت قانون و کنترل فساد، روند نزولی داشته که نشان از حاکم شدن مجدد رژیم اقتدارگرا و وجود فساد و رانت در کشور است. در بعد اقتصادی هم شاخص‌های کیفیت قوانین و کارایی دولت سیر نزولی داشته که گویای پایین بودن کارایی دولت در این کشور است که نتوانسته در بعد اقتصادی جوابگوی نیازهای مردم باشد. طی آخرین بررسی بانک جهانی نمره حکمرانی مطلوب در کشور مصر ۲۲/۹ بر حسب صدک بوده است که نشان از عدم وجود حکمرانی خوب در این کشور می‌باشد.

وضعیت حکمرانی خوب در کشور تونس به مراتب بهتر از مصر است. در بعد سیاسی، شاخص اظهار نظر و پاسخگویی مخصوصا آزادی‌های مدنی رشد بسیار خوبی داشته و این موضوع به صورت یک روند صعودی بوده است. این کشور توانسته در سال ۲۰۱۴ یک انتخابات سالم را برگزار و بنا بر نظر هانتینگتون آزمون گردش دینوبتی قدرت را با موفقیت طی نماید که نشان از برقراری یک رژیم دموکراتیک است. در بعد نهادی و اقتصادی هم شاخص‌های حکمرانی خوب توانسته نمرات قابل قبولی را کسب نماید. آخرین نمره حکمرانی مطلوبی که بانک جهانی برای کشور تونس اعلام نموده ۴۳/۶ بر حسب صدک می‌باشد. اگر بخواهیم نمرات حکمرانی خوب کشور مصر و تونس را باهم مقایسه کنیم بیان‌کننده این واقعیت است که آخرین نمره کسب شده کشور تونس دوبرابر کشور مصر می‌باشد. بررسی‌های بانک جهانی گویای این واقعیت است که انقلاب مردم تونس توانسته به سوی خواسته خود که همان برقراری حکومت دموکراتیک بوده حرکت نماید ولی کشور مصر نه تنها نتوانسته پیشرفتی داشته باشد بلکه سیر نزولی هم داشته است.

در نمودارهای زیر وضعیت شش شاخص مربوط به حکمرانی خوب در دو کشور مصر و تونس در سال ۲۰۲۰ به تفکیک نشان داده شده است:

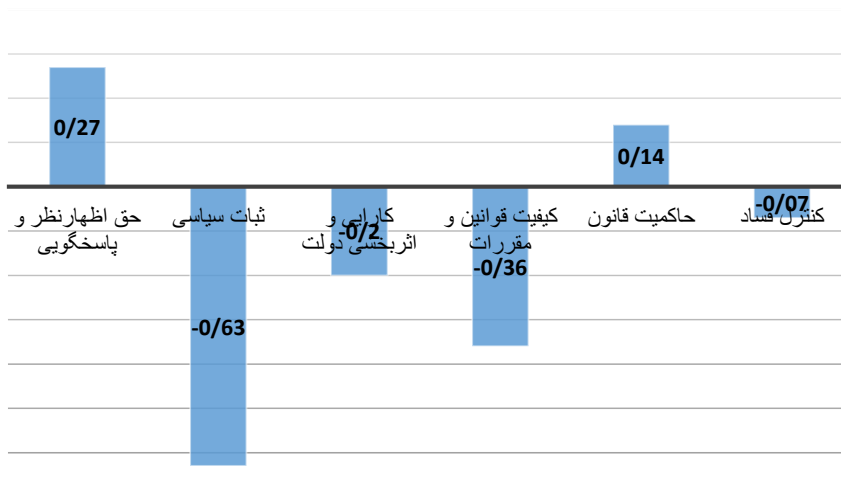
¹ Huntington



نمودار ۷- وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در کشور مصر ۲۰۲۰

Chart 7- The status of good governance indicators in Egypt 2020

Source: www.theglobaleconomy.com, (2020)



نمودار ۸- وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در کشور تونس ۲۰۲۰

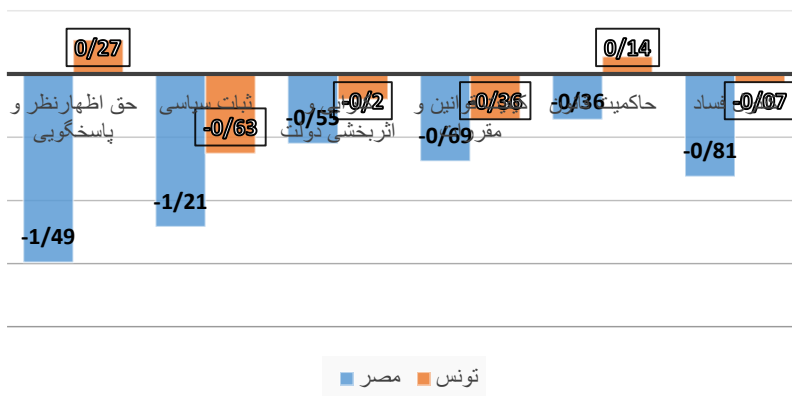
Chart 8- The status of good governance indicators in Tunisia 2020

Source: www.theglobaleconomy.com, (2020)

نتیجه‌گیری

بانک جهانی برای بررسی حکمرانی خوب، شش شاخص را در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نهادی

بررسی نموده‌است. در بعد سیاسی مؤلفه‌های حق اظهار نظر و پاسخگویی دموکراتیک، ثبات سیاسی و عدم خشونت مد نظر قرار گرفته‌است. در بعد اقتصادی مؤلفه‌های کارایی و اثربخشی دولت و کیفیت نظارتی مطرح گردیده و در بعد نهادی نیز مؤلفه‌هایی نظیر حاکمیت قانون و کنترل فساد از جمله موارد مطرح در دیدگاه بانک جهانی می‌باشد که بر حسب صدک برای آنها نمره صادر می‌نماید. همان‌طور که ذکر شد، پرسش اساسی مقاله این بود که پس از تحولات عربی (۲۰۱۱-۲۰۲۰) و در چارچوب مطالعات تطبیقی، دو کشور تونس و مصر توانسته‌اند برای توسعه و پیشرفت خود به چه جایگاهی از لحاظ حکمرانی خوب دست یابند؟ بر اساس آمارها و نمودارهای آورده شده، با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای و مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی شاخص‌های تأثیرگذار می‌توان در مقام مقایسه گفت که کشور تونس نسبت به مصر از لحاظ شاخص‌های حکمرانی خوب با نمره ۴۳/۶ در مقابل ۲۲/۹ جایگاه بالاتری داشته اما در کل از لحاظ دستیابی به استانداردهای جهانی همچنان راه طولانی در پیش دارد و کاملاً الگوی حکمرانی خوب را پیاده نکرده‌است. هر دو کشور پس از انقلاب در اغلب شاخص‌ها پیشرفت‌هایی داشته‌اند که مقایسه‌ی آنها باهم نشان داد کشور تونس به دلیل وضعیت بهتر پیش از انقلاب و برخورداری از جامعه‌ی مدنی قوی‌تر و همچنین گذار مطلوب‌تر به سمت دموکراسی و دولت-ملت‌سازی در کنار تجانس بیشتر اقوام و مذاهب، بهبود بیشتری در شاخص‌ها پس از انقلاب را تجربه کرده‌است. در مقابل کشور مصر به دلیل تنش‌های سیاسی-مذهبی، دخالت گسترده‌ی ارتش در سیاست و کودتای ۲۰۱۳ پس از انقلاب در نوعی بی‌ثباتی سیاسی به سر می‌برد.



نمودار ۹- مقایسه وضعیت حکمرانی خوب در مصر و تونس ۲۰۲۰

Chart 9- Comparison of good governance status in Egypt and Tunisia 2020

Source: www.theglobaleconomy.com, (2020)

نمودار پایانی نیز بیانگر و تأییدکننده‌ی جایگاه بالاتر تونس نسبت به مصر از لحاظ دستیابی به شاخص‌های مطلوب حکمرانی خوب است. البته لازم به ذکر است که این برتری تونس نسبت به مصر به معنای وضعیت مطلوب این شاخص‌ها در تونس نبوده و نمی‌توان گفت که تونس به حکمرانی خوب دست یافته‌است، بلکه تنها در مقایسه با مصر جایگاه بالاتری دارد.

منابع فارسی

۱. الوانی، م.، علیزاده ثانی، م. (۱۳۸۶). تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران. فصلنامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، ۱۸(۵۳)، ۱-۲۴.
۲. دلاوری، ا. (۱۳۸۸). حقیقت و آشتی: نقش کمیسیون حقیقت‌یاب در حل منازعات سیاسی و بین‌المللی. فصلنامه پژوهش حقوقی، ۱۱(۲۶)، ۱۸۰-۱۵۱.
۳. ذاکریان، م.، باقری‌حامد، ی. (۱۳۹۴). تبیین مفهوم عدالت انتقالی در نظام بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر پرونده مصر. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۲(۲)، ۱-۲۸.
۴. ربیعی، ک. (۱۳۹۷). تبیین شرایط تکوین بهار عربی و زمینه‌های فروپاشی رژیم‌های سیاسی در تونس و مصر. فصلنامه دولت پژوهی، ۴(۱۴)، ۱-۳۶.
۵. رزمی، م.، دیگران. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۷(۴)، ۱۶۲-۱۳۷.
۶. رزمی، م.، دیگران. (۱۳۹۴). الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی. دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، سال ۲(۴)، ۷۵-۵۱.
۷. روزنامه الحیات. (۱۳۹۴). چرا مصر شکست خورد اما تونس موفق شد؟ ترجمه گروهی، خبرگزاری شفقنا، تاریخ ۱۵ مرداد، در: <http://www.shafaqna.com>
۸. زیبایی، م. (۱۴۰۰). انقلاب‌های عربی: گذار از نسل‌های چهارگانه نظریه انقلاب. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۸(۱)، ۷-۲۴.
۹. سامتی، م.، دیگران. (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱(۴)، ۲۲۳-۱۸۳.
۱۰. سمیعی‌اصفهان‌ی، ع.، شریف‌یلمه، ا. (۱۳۹۶). گذار سیاسی و امکان‌سنجی حکمرانی خوب در تونس پس‌انقلابی. پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱(۱)، ۱۸۴-۱۷۴.
۱۱. شریف‌یلمه، ا. (۱۳۹۴). خیزش‌های مردمی و امکان‌سنجی حکمرانی خوب در خاورمیانه و شمال آفریقا (نمونه‌پژوهی مصر و تونس). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، یاسوج: دانشگاه یاسوج.
۱۲. شیرزیان، ج.، دیگران. (۱۴۰۰). مکتب انگلیسی و جایگاه حقوق بین‌الملل در جامعه بین‌المللی.

- فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۷(۴)، ۸۷-۱۱۶.
۱۳. صباغ کرمانی، م.، باسرخا، م. (۱۳۸۸). نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت؛ مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*، ۴۴(۸۶)، ۱۱۱-۱۳۳.
۱۴. لسانی سنگاچین، م.، دیگران. (۱۴۰۰). مقابله با افراطی‌گری دینی در حقوق بین‌الملل؛ تأملی بر چالش‌ها و موانع. *فصلنامه مطالعات بین‌الملل*، ۱۸(۳)، ۱۴۲-۱۲۱.
۱۵. معمارزاده، غ.، دیگران. (۱۳۸۹). حکمرانی خوب: اکولوژی متعادل. *مجله پژوهش‌های مدیریت*، ۲۱(۱)، ۴۵-۲۱.

English References

1. Fedtke, J. (2014). Comparative Analysis Between the Constitutional Processes in Egypt and Tunisia-Lessons Learnt, *Overview of the Constitutional Situation in Libya*.
2. Freedom House. (2015). Discarding Democracy: Return to the Iron First, Freedom in the World 2015.
3. Kaufman, D. Kraay, A. (2005). Measuring Governance Using Cross-country Perceptions Data. at: <http://www.worldbank.org/wbi/governance/govdata/>
4. Kaufmann, D., Mastruzzi, A. (2007). *Governance Matters: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2006*. Washington: World Bank.
5. Lockwood, M. (2010). Good Governance for Terrestrial Protected areas: A Framework, Principles and Performance Outcomes. *Journal of Environmental Management*, 91(3), 754-766.
6. Ogbannaya, U. (2013). Arab Spring in Tunisia, Egypt and Libya: A Comparative Analysis of Causes and Determinants. *Alternatives Turkish Journal of International Relations*, 12(3), 4-16.
7. Osman Saleh, K. (2013). The Roots and Causes of the Arab Uprisings 2011. *Arab Studies Quarterly*. 35(2), 184-206.
8. Warren Mark, E. (2005). Democracy Against Corruption, Quality of Government Institute. *Conference on the Quality of Government*.
9. World Bank Institute. (2012). Governance data: Web-interactive Inventory of Datasets and Empirical Tools. Washington, DC. at: <http://www.worldbank.org/wbi/governance/govdatasets/index.html>
10. Zakerian, M., Emadi, R. (2018). Establishing political accountability in the post-Mubarak Era: transitional justice vs authoritarianism. *International Studies Journal*. 14(4). 81-108.

Translated References to English

1. Al-Hayat Newspaper. (2014). Why did Egypt fail, but Tunisia succeeded? Translation: Shafaqna, access date: July 27, at: <http://www.Shafaqna.com> **(In Persian)**
2. Alwani, M. Alizadeh Sani, M. (1386). An analysis of the Quality of Good Governance in Iran. *Quarterly Journal of the Study of Improvement and Transformation Management*. 18(53), 1-24. **(In Persian)**
3. Delavari, A. (2010). Truth and Reconciliation: The role of the Truth-Finding Commission in solving political and international conflicts. *Legal Research journal*. 11(26), 151-180. **(In Persian)**
4. Fedtke, J. (2014). Comparative Analysis Between the Constitutional Processes in Egypt and Tunisia-Lessons Learnt, *Overview of the Constitutional Situation in Libya*.
5. *Freedom House*. (2015). Discarding Democracy: Return to the Iron First, Freedom in the World 2015.
6. Kaufman, D. Kraay, A. (2005). Measuring Governance Using Cross-country Perceptions Data. at: <http://www.worldbank.org/wbi/governance/govdata/>
7. Kaufmann, D., Mastruzzi, A. (2007). *Governance Matters: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2006*. Washington: World Bank.
8. Lasani Sangachin, M.A. Zernshan, Sh. Mohabi, M. Zamani, A.H. (1400). Dealing with Religious Extremism in International Law; A Reflection on Challenges and Obstacles. *International Studies Quarterly*. 18(3). 121-142. **(In Persian)**
9. Lockwood, M. (2010). Good Governance for Terrestrial Protected areas: A Framework, Principles and Performance Outcomes. *Journal of Environmental Management*, 91(3), 754-766.
10. Memarzadeh and others. (1389). Good Governance: Balanced Ecology. *Journal of Management Research*. 21(1). 21-45. **(In Persian)**
11. Ogbannaya, U. (2013). Arab Spring in Tunisia, Egypt and Libya: A Comparative Analysis of Causes and Determinants. *Alternatives Turkish Journal of International Relations*, 12(3), 4-16.
12. Osman Saleh, K. (2013). The Roots and Causes of the Arab Uprisings 2011. *Arab Studies Quarterly*. 35(2), 184-206.
13. Rabiei, K. (2017). Explaining the conditions of the formation of the Arab Spring and the reasons for the collapse of political regimes in Tunisia and Egypt. *Quarterly Journal of*

- Government Studies*, 4(14), 1-36. **(In Persian)**
14. Razmi, M.J. Sediqi, S. (2013). Requirements for realizing good governance to achieve Human Development. *Fourth National Economic Conference*. December 1991, Khomeini Shahr, 4(2), 51-75. **(In Persian)**
 15. Razmi, S.M.J. (2012). Investigating the Relationship between International Trade and Economic Growth using the Good Governance Index. *Journal of Business Research*. 7(4), 137-162. **(In Persian)**
 16. Sabbagh Kermani, M. Vebaskha, M. (1388). The Role of Good Governance in Improving the Performance of Government Spending: A Case Study of the Health and Education Sectors of Islamic Countries. *Economic Research Quarterly*. 44(86), 111-133. **(In Persian)**
 17. Samii Esfahani, A., Sharif Yalma, I. (2016). Political Transition and Feasibility of Good Governance in Post-revolutionary Tunisia. *Iranian Journal of International Politics*. 6(1), 174-184. **(In Persian)**
 18. Samti, M. Ranjbar, H. Mohseni, F. (1390). Analysis of the Impact of Good Governance Indicators on the Human Development Index: A Case Study of Southeast Asian Countries. *Economic Growth and Development Research Quarterly*. 1(4), 183-223. **(In Persian)**
 19. Sharif Yalmeh, I. (2014). Popular Uprisings and the Feasibility of Good Governance in the Middle East and North Africa, A Case Study of Egypt and Tunisia. *Master's Thesis*. Yasouj: Yasouj University. **(In Persian)**
 20. Shirzhian, J., et.al. (2021). English School and the Position of International Law in the International Community. *International Studies Journal*. 17(4), 87-116. **(in Persian)**
 21. Warren Mark, E. (2005). Democracy Against Corruption, Quality of Government Institute. *Conference on the Quality of Government*.
 22. *World Bank Institute*. (2012). Governance data: Web-interactive Inventory of Datasets and Empirical Tools. Washington, DC. at: <http://www.worldbank.org/wbi/governance/govdatasets/index.html>
 23. Zakerian, M. Bagheri, H. (2015). Explaining the Concept of transitional Justice in the International Human Rights System with Emphasis on the Case of Egypt. *International studies Journal*, 12(46), 1-28. **(In Persian)**
 24. Zakerian, M. Emadi, R. (2018). Establishing Political Accountability in the Post-

- Mubarak Era: Transitional Justice vs Authoritarianism. *International Studies Journal*, 14(4), 81-108. **(In Persian)**
25. Zakerian, M., Emadi, R. (2018). Establishing political accountability in the post-Mubarak Era: transitional justice vs authoritarianism. *International Studies Journal*, 14(4), 81-108.
26. Zibai, M. (2020). Arab Revolutions: Transition from Four Generations of Revolution Theory. *International Studies Journal*, 18(1), 7-24. **(In Persian)**